

تحلیلی بر آسیب‌های اجتماعی جوانان طی سالهای ۸۷-۱۳۷۸

و عوامل مؤثر بر آن*

سروش فتاحی^۱
جمیله فدوی^۲

چکیده:

هدف این مقاله بررسی آسیب‌های اجتماعی جوانان و عوامل تأثیرگذار بر آن می‌باشد که با استفاده از روش تحقیق اسنادی و روش تحلیل ثانویه با مراجعه به تحقیقات انجام شده در مورد موضوع مورد بحث و نظریه مربوط در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد تعداد ورودی‌ها به زندان در طی سالهای ۸۷-۱۳۷۸ مردان بیشترین تعداد با ۱۰۴۱۹۷۹ نفر در مقابل زنان (۴۱۸۷۶ نفر) تشکیل می‌دهند و گروه سنی ۳۰-۳۹ ساله با ۳۹۲۲۷۹ نفر در میان سایر گروه‌های سنی بیشترین ورودی را تشکیل می‌دهند بیشترین نوع آسیب، حمل مواد مخدر بوده است بطوریکه اعتیاد رتبه دوم و سرقت در رتبه رسوم قرار دارد و سطح تحصیل اکثریت پایین‌تر از دیپلم بوده است. خودکشی نیز در میان مردان ۱۲/۵۳ درصد و در میان زنان با رشد مثبت ۳/۲۲ درصد مواجه بوده است. در میان گروه‌های سنی بالاترین سهم با ۴۰ درصد مربوط به گروه سنی جوانان ۱۸-۲۴ ساله می‌باشد. نکته قابل توجه آن است که سهم این گروه سنی در میان زنان و مردان بالاترین درصد است. بطوری‌که در این گروه سنی سهم مردان ۲۴ درصد و سهم زنان ۱۶ درصد بوده است. سهم گروه سنی ۳۴-۱۵ ساله ۳۰ درصد، ۳۵ ساله و بیشتر ۲۰ درصد و ۱۷ ساله و کمتر ۱۰ درصد می‌باشد. در گروه سنی ۳۴-۲۵ ساله نرخ رشد در سالهای ۸۳-۱۳۷۷۹ این رقم معادل ۱۲/۴۹ درصد بوده است. مقایسه صورت گرفته از یافته‌های تحقیق و نتایج ادبیات تجربی نشانگر آن است که در سالهای مورد مطالعه یکی از علل افزایش آسیب‌های اجتماعی در میان مردان مشکلات اقتصادی، فقر، بیکاری و مشکلات درون خانواده و... در جامعه و تأثیری که در درون خانواده‌ها و بر سرپرست خانوارها داشته‌اند می‌باشد و در گروه سنی جوانان معمولاً افراد بدلیل افکار و احساس پوچی، نومیدی، احساس گناه، افسردگی، اعتیاد، احساس شکست، بحران‌های حاد عاطفی، بیماری‌های شدید و نداشتن سعه صدری در کنار سایر عوامل اجتماعی باعث آسیب اجتماعی شده است.

کلید واژه: آسیب‌شناسی، آسیب اجتماعی، جوانان، اعتیاد، بیکاری.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۹/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

۱- استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی واحد گرمسار دانشگاه آزاد اسلامی fathi_soroush@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۱- مقدمه

آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که در قرن نوزدهم میلادی از علوم زیستی گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و انحرافات اجتماعی قائل می‌شوند. باشکل‌گیری و رشد جامعه‌شناسی، این اصطلاح برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی به کار گرفته شد.

مسئله مربوط به آسیب‌های اجتماعی از دیر باز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواسته‌ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصبانیت، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحرافات جنسی و دیگر آسیب‌ها شده است.

مجموعاً در بینش جامعه‌شناختی در تعیین انحرافات و کجروی‌ها روی چند نکته تأکید بیشتری می‌شود؛ یکی اجتماعی بودن این پدیده یعنی انحراف و جرم ... و دیگری نسبت آن است. انحرافات نسبی هستند به این دلیل که تابع زمان و مکانند زیرا چه بسا در زمانی ممکن است عملی قبیح و نابهنجار تعریف شود در حالیکه در زمان و مکان دیگر همان عمل اینگونه تعریف نشود یا حتی پسندیده تلقی گردد.

آمارها در ایران نشان‌دهنده آن هستند که بیشترین موارد بی‌مبالاتی جنسی (۵۵/۶٪) در سنین ۱۶ تا ۲۱ سالگی رخ می‌دهند (مرکز مداخله بحران بهزیستی شمال استان تهران). میانگین سن شروع سیگار در ایران ۱۶/۶ سال بوده جعفرزادگان و زراعی، (۱۳۸۰) و بالاترین نسبت معتاد کشور (۴۵/۷) در فاصله ۱۷ تا ۲۲ سالگی مصرف را آغاز کرده اند (مدنی و رزاقی، ۱۳۸۱). شروع زود هنگام، مصرف بیشتر، مداوم‌تر و استفاده از مواد خطرناک‌تر افزایش می‌دهد (سوادی، ۱۹۹۹). ۱/۸ میلیون معتاد ناشناخته در ایران وجود دارند که ۳/۲۵٪ از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند (رئیس دانا، ۱۳۸۳).

عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتار انحرافی و بزهکاری گوناگون و متعددند از جمله وضعیت اقتصادی خانواده (فقر یا رفاه بیش از حد) معاشرت با دوستان ناباب و ناصالح، بدون هدف در گذراندن اوقات فراغت، بیکاری، نوع شغل و میزان درآمد، رضایت و عدم رضایت شغلی، تجرد و تأهل، تراکم جمعیت، مهاجرت، بی‌عدالتی، مواد مخدر و اعتیاد وسایل ارتباط جمعی از قبیل روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون ... همگی در ارتکاب جرم پیدایش و توسعه مفاسد و کجروی‌ها اثر قطعی دارند و فراگرد جامعه‌پذیری و اجتماعی در نحوه رفتار و سلوک فرد اثر تعیین‌کننده‌ای دارد. پیچیدگی رفتار آدمی به گونه‌ای است که نمی‌توان یک عامل را به عنوان عامل مسلط رفتار "بهنجار"

تلقی کرد بلکه عوامل متعدد و منظومه‌ای از علل و عوامل مشکل و ارتباط متقابل با یکدیگر منجر به پیدایش "رفتار" می‌گردد. ارتباط متقابل فرد و جامعه و محیط پیرامونش و تعادل بین آنها در تکوین رفتار مؤثر می‌باشد. بدیهی است رفتار انحرافی نیز از چنین وضعیتی برخوردار بوده و مشمول همین شرایط خواهد بود.

دوران نوجوانی و جوانی از ادوار پراهمیت در فرآیند رشد آدمی محسوب می‌شود. قدم گذاردن به این دوره معمولاً با بلوغ آغاز می‌شود. شکوفایی غریزه‌ی جنسی، تثبیت و تحکیم علائق و منافع شغلی و اجتماعی، میل به آزادی و استقلال از ویژگی‌های مهم این دوره است. تغییر و تحول جسمی، روانی و شخصیتی در این دوران، خواسته‌های جدیدی را مطرح می‌سازد. از یک سو فشار غریز، نیازها و میل به تبعیت از ارزش‌های نوجوانی، همچنین پذیرفته شدن و جذب در گروه‌های همسال، فشارهای گروهی، میل به ابراز وجود، پی‌ریزی زندگی مستقل ... و از طرف دیگر فقدان امکانات، روابط نامناسب عاطفی، عدم توجه به خواسته‌ها، ارزش‌ها و نظرات جوان و نیز بی‌تجربگی و عدم شناخت کافی، او را در یک بحران فکری و آشفتگی روانی قرار می‌دهد و عوارضی چون بی‌ثمیری، پوچی و بی‌کفایتی به بار می‌آورد. در نتیجه زمینه‌ی گرایش به انحرافات اجتماعی در آنان فراهم می‌شود.

براساس تئوری جامعه‌پذیری رفتار کجروی، ناشی از فرآیند یادگیری است و ضمن تعامل متقابل با افراد و گروه‌های اجتماعی و در یک جریان ارتباطی پدید می‌آید. روان‌شناسان اجتماعی به فشارهایی که از جانب گروه‌های نزدیک، نظیر خانواده و همسالان به فرد وارد می‌شود، اهمیت بسیار قائلند و از طریق مقایسه‌ی نفوذ و فشار ارزش‌ها و هنجارهای دو گروه خانواده و همسالان در مطالعاتشان، نفوذ هنجارهای غالب را نشان می‌دهند. بدیهی است جوان برای هم‌رنگ شدن با ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های نزدیک، زیر فشار قرار می‌گیرد. گاه هنجارها و ارزش‌های دو گروه به هم نزدیک و هماهنگ است و گاه با هم در تضاد قرار دارد. ولی به هر حال هر دو گروه برای هم‌رنگ شدن، جوان را زیر فشار قرار می‌دهند.

هر جامعه‌ای مناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تأثیرات مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. شناخت چنین عواملی می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی و تعامل هموار سازد. بطوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداوم آن عمل با ارائه راه‌حلهایی به سلامت جامعه کمک نماید. به عنوان مثال مسأله اعتیاد را در نظر بگیریم، این مسأله هم به عنوان یک مشکل فردی و هم به عنوان یک معضل

اجتماعی مطرح است. روشن است در سطح اجتماعی منجر به از بین رفتن نیروها و انرژی بارآور جامعه می‌شود. شناسایی علل اساسی و کنترل آنها می‌تواند بسیاری از نیروهای از دست رفته جامعه را تجدید نموده در مسیر کار سالم جامعه هدایت کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۹).

با در نظر گرفتن داده‌ها و اطلاعات مرکز آمار ایران^۱ که نشان می‌دهد ساخت جمعیتی ایران، بسیار جوان است و حجم بالایی از افراد را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند؛ مطالعه و شناسایی عوامل مهم و دخیل در سلامت عمومی و توجه به مسایل نوجوانان به ویژه موضوع سلامت و ایمنی آنها در برابر رفتارهای پرخطر برای کاهش نرخ خطر پذیری ضرورت و اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

جوانی دورانی برای تکامل یک سبک زندگی سالم، عملکردها و رفتارهای بهداشتی است و همچنین دوره‌ای است که جوانان با مشکلاتی نظیر استفاده از سیگار، الکل و مواد مخدر و مسائل جنسی و نظایر آن روبرو می‌شوند (کان و همکاران، ۲۰۰۰). افزایش نگرانی‌های عمومی درباره مسائل مختلف اجتماعی، هم از این جهت که خسارات و صدمات وارده بر پیکر جامعه از ناحیه این گونه مسائل رو به فزونی دارد و هم از آن جهت که گاهی مقابله با آن نیز روز به روز دشوارتر می‌شود، شناخت علمی و دقیق مسائل اجتماعی را ضروری می‌سازد.

بررسی مسائل جوانان به دلیل نقش بسزای آنها در پیشرفت جامعه ضرورت دارد. جوانان از نظر نیروی فعال که گرداننده چرخهای اقتصادی هر کشور هستند دارای اهمیت و ارج و ارزش بسیار زیادی می‌باشد. همچنین جوانان ارزشها و میراث فرهنگی را به نسل بعد منتقل می‌کنند. مقاله حاضر با روش اسنادی و با هدف بررسی آسیب‌های اجتماعی طی سال‌های ۷۸ الی ۸۷ مطالعه شده است.

۲- ادبیات پژوهش

سلیمانی نیا (۱۳۸۶) با مطالعه ۳۸۵ نوجوان ۱۴ تا ۱۹ ساله دبیرستانی در تهران دریافت که ۲۳/۳٪ از دختران و ۴۰/۴٪ از پسران که در مجموع ۱۲۰ نفر (۳۱/۲٪) از کل نوجوانان مورد بررسی را تشکیل می‌دادند در طول زندگی حداقل یکبار با میل خود و چه با زور درگیر رابطه جنسی شده‌اند. اعتیاد به مواد مخدر یکی دیگر از مصادیق رفتارهای پرخطر در میان جوانان است. روند روز افزون مصرف آمفتامین‌ها و اکستازی، امروزه در جوامع مختلف از جمله کشور ما ایران به یک

نگرانی تبدیل شده است (دهقانی، ۱۳۸۳) دلایل متعددی برای افزایش مصرف این مواد و خطرات ناشی از آن وجود دارند که از جمله؛ آسان بودن مصرف به دلیل عدم نیاز به سرنگ یا وسایل حرارتی و اطمینان از عدم انتقال بیماریهای از راه خون، سهولت ساخت مواد محرک از نوع آمفتامین، عدم اطلاع از اعتیاد به آن، کم‌رنگ‌شدن موانع فرهنگی در برابر سوء مصرف مواد مخدر در داخل خانواده، محیط کار و مراکز تفریحی به دلیل مصرف همزمان داروهای دیگری مانند دارو درمانی برای افزایش یا کاهش وزن، برای خواب یا تسکین ناراحتی‌های عصبی، نیروزایی در ورزش، عدم تجارب کافی در این زمینه و معلوم نبودن روش‌های درمانی، نبود امکانات و تجهیزات لازم و عدم آگاهی نیروهای نظامی و انتظامی به منظور مهار این مواد مخدر صنعتی برای کاهش خطرات بهداشتی ناشی از مصرف این مواد (هریسون، ۲۰۰۱، دهقانی، ۱۳۸۳).

نتایج مطالعه‌ای که اخیراً در شهر شیراز صورت گرفته، نشان می‌دهد ۳۲ درصد دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های پسرانه مصرف الکل و ۲/۲ درصد آنها مصرف مواد روان‌گردان را تجربه کرده‌اند (آیت الهی، محمدپور اصل و رجایی‌فرد، ۱۳۸۳). باریکانی (۱۳۷۸). پژوهشی را با هدف تعیین رفتارهای پرخطر در نوجوانان سنین مدرسه در شهر تهران انجام داد. در این بررسی توصیفی - مقطعی با به کارگیری یک پرسش‌نامه دارای پرسش‌های جمعیت‌شناختی و پرسش‌هایی در زمینه میانگین سنی پاسخگویان ۱۴/۸ بود؛ یافته‌ها نشان داد، ۱۲٪ سیگار مصرف می‌کردند و ۳۰/۶٪ تجربه مصرف قلیان را داشتند. ۱۰٪ در یک ماه گذشته الکل و ۲٪ هروئین مصرف کرده بودند.

در کشور ایران بیش از ۵ سال است که مصرف قرصهای اکستازی، معروف به EX در بین جوانان رایج شده است و در برخی از مهمانی‌های شبانه مصرف می‌شود. وزیران (۱۳۸۰) معتقد است بیش از ۴۰ هزار نفر در ایران این دارو را تجربه کرده‌اند که بخش عمده مصرف کنندگان این دارو را دانش‌آموزان و نوجوانان پسر تشکیل می‌دهند و نسبت مصرف آن بر اساس جنس ۱ به ۲ است.

افروغ در تحقیقی تحت عنوان «تمرکز فقر و خرده فرهنگ کجرو» به بررسی تأثیر زندگی در محلات فقیر بر شکل‌گیری خرده فرهنگ کجرو می‌پردازد. وی با استفاده از نظریه جامعه‌شناسان متقدمی چون زیمل، دورکیم، وبر و جامعه‌شناسان جدیدتری چون برگر، لاکمن، شوتز، رکس و مور، پال، کاستل و جان اوری چارچوب نظریه‌ای را شکل داد که در آن عوامل اقتصادی، سیاسی و زیستی - اجتماعی منجر به جدایگزینی فضایی می‌شود. جدایگزینی منجر به تمرکز فقر گردیده که

تمرکز فقر به نوبه خود منجر به خرده فرهنگ کجرو و در نهایت رفتار کجرو می‌شود. خرده فرهنگ کجرو از دیدگاه وی ترکیبی از شاخص‌هایی چون: تمایل به ریسک کردن، خشن بودن، تقدیرگرا بودن، اولویت به نیازهای جسمانی، لاقیدی و بی بند و باری نسبت به تربیت فرزندان و آموزش‌های رسمی، غیرکلامی بودن در تربیت کودکان و برخورداری از واژگانی محدود با الفاظی تحریک آمیز، بنده لحظه‌ها بودن و تعویق نینداختن خوشیهای لحظه‌ای به آینده و بی تفاوتی نسبت به کمبودها و نواقص محیطی بوده است. نتایج تحقیق نشان داد تفاوت معنی‌داری بین محلات مختلف از لحاظ وجود خرده فرهنگ کجرو در این مناطق وجود دارد (افروغ، ۱۳۷۷).

رفیع پور در تحقیقی تحت عنوان «آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران» به بررسی نابهنجاری اجتماعی در شهر تهران پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عدم رعایت هنجارهای رسمی بسیار گسترده است ولی میزان رعایت هنجارهای غیررسمی بسیار بیشتر است. دیاگرام علی‌نهایی این تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون نابرابری اجتماعی، وضعیت اقتصادی، دستیابی به هدف، امید به آینده تحمل، ملاحظات اجتماعی و اعتماد اجتماعی بر نابهنجاری تأثیر دارد (رفیع پور، ۱۳۷۸).

رابطه ساختار اجتماعی و رفتار نابهنجار اجتماعی در محدوده پیرامون میدان آزادی تهران: این تحقیق در سال ۱۳۷۹ توسط کلدی در تهران به منظور بررسی تأثیر ساختار اجتماعی اقتصادی جامعه و ویژگی کلان شهر بودن تهران بر شکل‌گیری فرآیندها و آسیب‌های اجتماعی در این محیط پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که وجود نابهنجارهای نظیر: وجود مزاحمین و خلافکاران و معتادان، نا امنی برای عبور خانمها، ناکافی بودن روشنایی در شب، ازدحام آزار دهنده عابر پیاده، ازدحام آزار دهنده ماشینها، وجود دستفروشها، امکان تصادف، نبود یا کمبود فضاهای امن عبور پیاده، تداخل سواره و پیاده موجب تحریک رفتارهای نابهنجار نظیر جیب‌بری و کیف‌زنی، خرید و فروش مواد مخدر و تکدی‌گری می‌شود. این تحقیق معتقد است در عین حالیکه ناهنجارهای اجتماعی معلول ساختار کلان اجتماعی - اقتصادی می‌باشد ولی می‌توان با اصلاح بنیادی فضا سازی و مقررات تردد و توقف تا حدی این نابهنجاریها را مهار کرد (کلدی، ۱۳۷۹).

تحقیقی در سال ۱۳۸۵-۱۳۸۶ توسط رحمانی فیروزجاه با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی نوع و میزان نابهنجاری اجتماعی در بین جوانان ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهرهای استان مازندران» انجام شده است. مهمترین عوامل موثر بر بروز نابهنجاری‌های فردی که این تحقیق بدست آمده عبارتند از: هم‌نشینی با افراد نابهنجار و مشکلات مربوط به خانواده (رحمانی فیروزجاه، ۱۳۸۶).

۳- بنیان نظری تحقیق

دیدگاه کارکردگرایی ساختی: براساس دیدگاه کارکرد گرایی، جامعه سیستمی از بخش‌های مرتبط است که هماهنگ با یکدیگر در جهت حفظ و تعادل و توازن اجتماعی کار می‌کنند. از منظر این دیدگاه هریک از نهادهای اجتماعی نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند و بر نهادهای دیگر تأثیر می‌گذارند.

کارکردگرایان ساختی برای تعریف تأثیرات عناصر اجتماعی بر جامعه اصلاحات کارکردی و کژکردی را به کار می‌برند، اگر عناصر اجتماعی به ثبات جامعه کمک کند کارکردی و اگر ثبات جامعه را مختل کنند کژکارکردی هستند. از این دیدگاه، مسائل اجتماعی نتیجه نوعی بیماری در جامعه است. اگر بخش‌هایی از جامعه‌ای از جمله عناصر ساختاری و فرهنگی درست عمل نکنند بیماری حاصل خواهد شد. به عنوان مثال جرم، خشونت، فقر و نابرابری از فروپاشی نهاد خانواده و بی‌کفایتی در نهادهای اقتصادی، آموزشی و سیاسی حاصل می‌شود.

الف- دورکیم: نظریه آنومی: دورکیم مفهوم آنومی را برای اولین بار در کتاب تقسیم کار اجتماعی به کار برد. به اعتقاد او جامعه آنومیک یا بی‌سازمان جامعه‌ای است که مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های متضاد با یکدیگر در خود داشته و فاقد خطوط راهنمای روشن و پایداری برای مردم به منظور یادگیری و درونی کردن هنجارهاست. آنومی مرکز بحث نظریات اساسی دورکیم در تحلیل بی‌نظمی‌های اجتماعی، هرج و مرج، رفتارهای ضد اجتماعی و رفتار انحرافی است. به اعتقاد دورکیم جوامع انسانی از ماهیتی به طور نسبی ساده و غیرمرکب به جوامع پیچیده تبدیل شده‌اند. همچنان که جوامع گسترش می‌یابند جمعیت‌ها نیز متراکم‌تر گردیده و با پیشرفت‌های اقتصادی و فناوری روابط اجتماعی نیز تغییر می‌یابد. در این موقعیت جامعه از طریق نظام وابستگی دو جانبه افراد با یکدیگر به لحاظ نظام مالی، شغلی و غیره به بقای خود ادامه می‌دهد. گسترش تقسیم کار موجب گذار جوامع اروپایی از یک مرحله سنتی، ساده، مکانیکی و فئودالی به مرحله مدرن، صنعتی، پیچیده و ارگانیکی شد. به اعتقاد دورکیم، گسترش تقسیم کار همواره به آسانی پدیدار نمی‌شود و هزینه‌های انسانی و مادی فراوانی به دنبال داشت.

"این تغییرات اجتماعی بدون وجود هنجارهای اخلاقی، جامعه را دستخوش عدم تعادل و بی‌سازمانی اجتماعی می‌کند. به اعتقاد دورکیم چنین شرایطی از تقسیم کار غیرعادی زمینه را برای آنومی فراهم نموده که پیامد آنومی برخی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی است" (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۵).

ب- رابرت کی مرتون^۱: به نظر مرتون ساخت اجتماعی در مراحل خاص شرایطی فراهم می‌کند که شکستن قواعد حقوقی پاسخ طبیعی محسوب می‌گردد. توضیح این که ساخت‌های اجتماعی فشارهای خاصی بر برخی افراد وارد می‌کنند و آنها به انجام کارهایی که از نظر جامعه نیز مجرمانه است اما سبب بقای فرد می‌شود مجبور می‌کنند. در میان عناصر گوناگون ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دو مورد اهمیت بیشتری دارد این دو عنصر در تجزیه و تحلیل تفکیک‌ناپذیرند اما در وضعیت عینی به هم آمیخته‌اند. نخستین عنصر شامل هدف‌ها، منظورها و علاقه‌هایی است که به وسیله فرهنگ جامعه تعیین و تعریف شده و به صورت هدف‌های شروع برای همه اعضای جامعه درآمده است و عنصر دوم ساختار فرهنگی که شیوه پذیرفتنی رسیدن به این هدف‌ها را تعیین، تنظیم و نظارت می‌کند.

در عین حال راه‌های دیگری نیز هست که با هدف‌ها و هنجارها و دستورات اخلاقی جامعه تضاد دارد اما بازدهی آنها سریع است. بسیاری از این راه‌ها که رسیدن به هدف را آسان می‌سازد از نظر جامعه غیراخلاقی است. احتکار، دزدی، تقلب از جمله راه‌های سریع و فوری است که جامعه آنها را منع کرده است (سخاوت، ۱۳۸۰).

مرتون مفهوم بی‌هنجاری را تعدیل کرده و به فشاری اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند بر رفتار افراد وارد می‌آید (گیدنز، ۱۳۸۳).

مرتون می‌گوید وقتی بین اهداف فرهنگی مانند (موفقیت و ثروت ...) و وسایل تشکیلاتی جهت دستیابی به اهداف مانند (دوستان متنفذ، تحصیلات و...) یک عدم تناسب وجود داشته باشد در آن صورت افرادی که در یک ساختار اجتماعی تحت فشار قرار گرفته‌اند احتمالاً بیشتر از دیگران رفتار انحرافی خواهند داشت. مرتون در ادامه ۵ الگو را در خصوص انطباق افراد با جامعه ارائه می‌دهد.

واکنش‌های زیر از سوی افراد جامعه که ناشی از فشارهای بین اهداف فرهنگی و راه‌ها و وسایل دستیابی به آن اهداف است، انجام می‌شود:

همنوايي: حالتی که جامعه متعادل است و افراد اهداف فرهنگی و راه‌ها و ابزارهای نهادی شده و قابل قبول برای نیل به آن اهداف را پذیرفته و در آن جهت تلاش می‌کنند.

نوآوری: وضعیتی است که در آن افراد اهداف فرهنگی را پذیرفته‌اند اما برای نیل به آن اهداف وسایل و راه‌های مشروع برای رسیدن به آن اهداف را نپذیرفته‌اند و راه‌ها و وسایل غیرمشروع را

انتخاب کرده‌اند.

تشریفات پرستی: به این معنی است که افراد ابزارها و وسایل مورد تأیید جامعه را پذیرفته‌اند اما اهداف فرهنگی در سطح وسیع انکار می‌شود.

عقب‌نشینی: حالتی که در آن افراد جامعه نه اهداف فرهنگی را قبول دارند و نه وسایل و راه‌های مشروع نیل به آن اهداف را می‌پذیرند. طغیان: وضعیتی که افراد هم اهداف فرهنگی و هم راه‌ها و ابزارهای مشروع نیل به آن اهداف را انکار نموده، اما در جهت ایجاد شرایطی بهتر و اهدافی جدیدتر به منظور تعدیل ساخت‌های اجتماعی تلاش می‌کنند" (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۱).

الف) "مرتن": در ارتباط با الگوی کنش متقابل «محرومیت نسبی»^۱ را مطرح می‌کند که به مقایسه آنچه موقعیت اجتماعی فرد را به ارتباطات وی با دیگران که در برخی از جنبه‌ها مشابه او هستند مرتبط می‌سازد برمی‌گردد. بر اساس منطق محرومیت نسبی، فقرا یا کسانی که در طبقه پایین قرار دارند، نباید با آنان که در شرایط زندگی طبقات متوسط یا بالاتر قرار دارند مقایسه شوند. یا باید با کسانی که با آنان سروکار دارند یا معاشر آنان هستند مقایسه کنند. شدت و گستردگی محرومیت نسبی در جامعه زمینه شکل‌گیری آنومی و به تبع آن شیوع انحرافات اجتماعی است. مرتن احساس جدا شدن فرد از گروه را آنومی ساده^۲ نامیده و با یک نگرش سیستمی، عدم ادغام نظام‌های ارزشی در یکدیگر را آنومی شدید^۳ می‌نامد" (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۴).

ب- پارسونز:

۱- کنش اجتماعی و آنومی

"بحث اصلی پارسونز در تبیین انحرافات اجتماعی بر مبنای پیش فرضی که مورد خرده‌نظام‌های چهارگانه فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد مطرح کرده شکل گرفته است. کارکردهای مناسب هر یک از این خرده‌نظام‌ها و ارتباط کنش متقابل بین آنها عامل کنترل‌کننده هر جامعه و همچنین عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل عدم تعادل و بی‌سازمانی در هر یک از خرده‌نظام‌ها حیات جامعه را تهدید کرده زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می‌سازد. از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری نظیر

1-Hard ship or Privation

2-Simple Anomy

3-Intense Anomy

خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارآیی لازم را نداشته باشند جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. به اعتقاد پارسونز، افراد با درونی کردن الگوها در فرآیند جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌ها در چهارچوب نظام فرهنگی، روی پیوستاری قرار می‌گیرند که در یک طرف آن رضایت و اقیان درونی و برخورداری از حمایت و پذیرش اجتماعی برای افراد است، در طرف دیگر آن نابسامانی و بی‌هنجاری و رفتار انحرافی است که اجبار و اضطراب اجتماعی را به همراه دارد" (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۴ به نقل از پارسونز).

۲- **تضاد:** طرفداران این نظریه تا حدی تبیین‌های متفاوتی را درباره‌ی چرایی بروز موقعیت مورد بحث در جوامع جدید عنوان می‌کنند. این نظریه که ریشه‌های آن در افکار برخی جامعه‌شناسان کلاسیک نظیر: " کارل مارکس " و " رالف دارندورف " وجود دارد، به طور کلی بر پیامدهای شخصی و اجتماعی تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای محدود تأکید می‌کند. نقطه‌ی عطف این نظریه آن است که گروه‌های ثروتمند و قدرتمند جامعه دارای علائق مشترک اقتصادی و سیاسی‌اند و بیشتر بر گزیدگان قدرت، از قدرت سیاسی خود برای تدوین و اجرای معیارهای قانونی حامی منافع خود استفاده نموده و یا در واقع سوء استفاده می‌کنند. این امر به نوعی ایجاد تضاد می‌کند و شکاف طبقاتی را توسعه می‌بخشد و زمینه‌ی افزایش جرایم اجتماعی را فراهم می‌سازد. مارکس در کتاب ایدئولوژی آلمانی چگونگی همبستگی بزهکاری با نظام سرمایه‌داری را بررسی می‌کند. مارکس در توصیف بزهکاری نشان می‌دهد که چگونه بزهکاری سبب پیدایش مجموعه قوانین جزایی، استادان حقوق جزا، دستگاه‌های دادگستری، پلیس و صدها حرفه و شغل تازه شده و تقسیم کار اجتماعی را گسترش داده‌اند. بدینگونه مارکس جامعه بورژوا را به سخره می‌گیرد و چنان می‌نماید که طبقات بالا روزی خود را از طبقات بزهکار بدست می‌آورند. مارکس همچنین نظریه قرارداد اجتماعی و اینکه جامعه و دولت فرآورده اراده آزاد انسانهاست را بباد انتقاد می‌گیرد و بزهکاری را بیشتر به طبقات خطرناک جامعه نسبت می‌دهد که از دیدگاه وی "لومپن پرولتاریا" هستند. کارگرانی که از نیروهای خلاق و مولد جامعه یعنی از طبقه کارگران صنعتی بدور افتاده‌اند، نه تولیدکننده هستند و نه سازمان‌یافته، آنها از انگلهای اجتماع بشمار می‌آیند. از اینرو بجای آنکه آگاهی طبقاتی داشته باشند. آگاهی فردی و کاذب دارند و بجای آنکه برای براندازی نظام کنونی بپا خیزند و نظام نوینی برپا سازند یا به دریوزگی توانگران می‌روند و یا میخواهند از راه بزهکاری از نظام موجود استفاده کنند. از سوی دیگر، مارکس و انگلس چنین باور داشتند که شرایط اقتصادی و بخصوص فقر مادی

از عوامل اساسی بزهکاری است.

نظریه پیوند افتراقی: نظریه ادوین ساترلند تحت عنوان پیوند افتراقی بر این نکته دلالت دارد که فرایند یادگیری رفتار مجرمانه به وسیله‌ی دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود. چهار گام زیر فرایند نظریه پیوند افتراقی را به اختصار نشان می‌دهد.

الف- رفتار تبه‌کارانه، مانند دیگر رفتارهای معمولی در اثر کنش متقابل با دیگران به ویژه گروه دوستان آموخته می‌شود.

ب- فراگیری رفتار مجرمانه هم مستلزم یادگیری تکنیک‌های ارتکاب جرم وهم انگیزه‌ها، سائقها و گرایش‌های مناسب برای بزهکاری است

ج- انسان بدان سبب مجرم می‌شود که فراوانی امکانات قانون شکنی بر محدودیت‌های نامساعد آن بچربد.

د- پیوندهای تبه‌کارانه یک شخص می‌تواند از جنبه‌های خاصی همچون فراوانی، طول مدت و شدت این تماسها متفاوت باشد و در تعیین تأثیر این پیوندها بر شخص به ما کمک کند (ستوده، ۱۴۳:۷۴).

نظریه بر چسب: نظریه بر چسب تأکید می‌کند که نفس رفتار، منحرفان را از غیرمنحرفان متمایز نمی‌سازد، بلکه اعمال اعضای سازشکار جامعه است که این تمایز را فراهم می‌سازد. نظریه پردازان اصلی آن را " هوارد بکر"، " ادوین لمرت" و "توماس شف" تشکیل می‌دهند. این نظریه پردازان انگ یا برچسب خوردن افراد را عامل مهم انحرافات آنها می‌دانند. شخص، مطلوب یا نا مطلوب، آگاهانه یا نا آگاهانه، برچسب منحرف می‌خورد و در نتیجه تصویری جدید از خود می‌سازد و رفتارهای متناسب با آن را آغاز می‌کند. به عبارت دیگر رفتارها، شکل انحرافی می‌یابند و ناهم‌نوایی مداوم توسط کسی که برچسب انحراف را پذیرفته است، ایجاد می‌شود.

نظریه نظارت و کنترل اجتماعی: الف - دیدگاه هیرشیب ب- نای : هیرشیب مهمترین صاحب‌نظر این رویکرد علت هم‌نوایی افراد با این هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی با آنان دانسته است وی پیوند افراد با جامعه را مهمترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل اجتماعی می‌داند و نبود یا ضعف آن باعث کج رفتاری است. وی به چهار عنصر اصلی که باعث پیوند فرد و جامعه می‌شود اشاره می‌کند: وابستگی^۱؛ تعهد^۲؛ درگیری^۱؛ اعتقاد^۲.

1-Attachment

2-Commitment

الف- وابستگی: از نظر هیرشی بنای اصلی درونی کردن هنجارها وابستگی به دیگران است. در این جا مفهوم وجدان به شکل یک عامل مستقل مطرح نمی‌شود بلکه آنچه اهمیت دارد رابطه اجتماعی فرد است. بدین معنی که وابستگی به دیگران یکی از عوامل مهم کنترل رفتار است. به طوری که به علت وابستگی اجتماعی این احساس در فرد به وجود می‌آید که به انتظارات و خواست‌های دیگران پاسخ دهد. بیشتر افراد سعی می‌کنند آسیبی به خویشاوندان خود وارد نسازند یعنی رفتار آنها باعث شرمندگی اقوامشان نشود با داشتن این احساس افراد وابسته و محدود می‌شوند و کمتر خود را آزاد و رها می‌بینند که هنجارهای اجتماعی را نقض کنند.

ب- تعهد: از نقطه نظر هیرشی تعهد نیز بعد جامعه‌شناختی مفهوم «خود» در روان‌شناسی است. به این معنی که ما وقت و انرژی در راه دستیابی به اهدافی مانند تحصیل، کار، داشتن شهرت خوب در میان دیگران صرف می‌کنیم. فردی که به فعالیت‌های متعارف در زندگی روزمره متعهد باشد به منظور حفظ موقعیتی که با کوشش برای خود به دست آورده کج‌رفتاری نمی‌کند و خود را به خطر نمی‌اندازد.

در مقابل فردی که کج‌رفتاری می‌کند چیزی برای از دست دادن ندارد ولی اگر فرد خود و خانواده‌اش افراد با آبرو و محترمی باشند و به اعتقادات مذهبی پای‌بند باشد سعی نمی‌کند با کج‌رفتاری به این باورها خدشه وارد کند.

ج- درگیر بودن: بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند. درگیری در امور زندگی روزمره وقت زیادی لازم دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بیکار و بیهوده وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند در حالیکه کسی که تشکیل خانواده داده سعی می‌کند در حرفه خود موفق باشد و زمانی برای هنجارشکنی ندارد.

د- اعتقاد: هیرشی معتقد است میزان اعتقاد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین در افراد مختلف متفاوت است. هرچه این اعتقادات ضعیف‌تر باشد احتمال هنجارشکنی بیشتر است. بنابراین اعتقاد به دستورات مذهبی، اعتقاد به حسن اخلاق، اعتقاد به حلال و حرام می‌تواند در این رابطه مهم باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بر مبنای این نظریه هر چه تعداد افراد کمتری وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند پیوند آنها با جامعه سست‌تر است احتمال کج‌رفتاری بیشتر است (صدیق

سروستانی، ۱۳۸۳: ۲۱ به نقل از هیرشی).

نظریه محرومیت پایگاهی کوهن: این نظریه که توسط "آلبرت کوهن" در حوزه‌ی جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی مطرح گردیده مبتنی بر این است که انحراف در میان نوجوانان و جوانان طبقات پایین جامعه بیشتر رواج دارد. زیرا آنها نمی‌توانند در محیط مدرسه در میان طبقات متوسط و بالای جامعه پایگاه اجتماعی کسب نمایند. این محرومیت پایگاهی (از طبقه-ی بالاتر) زمینه را برای انحراف اجتماعی فراهم می‌سازد. ناتوانی در کسب موقعیت و پذیرش در جامعه معمولی، فشار ایجاد می‌کند. موقعیت در جامعه معمولی، کسب استاندارد طبقه متوسط در زمینه لباس، رفتار و توانایی‌های معمولی است. جوانان طبقه پایین نمی‌توانند این استانداردها و مهارت‌های اجتماعی طبقه متوسط را کسب کنند در نتیجه محرومیت موقعیتی آنها تبدیل به عجز موقعیتی می‌شود (گلابی، ۱۳۷۸: ۲۵).

۴- روش تحقیق

در این مطالعه از روش اسنادی استفاده شده است و روش تحلیل داده‌ها، "تحلیل ثانویه"^۱ است. «تحلیل ثانویه فی نفسه روش خاصی نیست تحلیل جدیدی از داده‌هایی است که به منظور دیگری گردآوری شده‌اند.

کار عمده تحلیل ثانوی، تحلیل داده‌های تحقیقات ماقبل مطابق با موضوع مورد مطالعه و پژوهش ما بعد است.

۵- یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۱) تعداد ورودیهای زندان طی سالهای ۷۸-۸۷ بر حسب جنس

جمع	تعداد		جنسیت
	مرد	زن	سال
۱۰۴۸۹۰	۱۰۱۳۰۰	۳۵۹۰	۱۳۷۸
۱۱۴۰۳۰	۱۰۹۸۰۸	۴۲۲۲	۱۳۷۹
۱۱۴۵۱۷	۱۰۹۹۰۹	۴۶۷۸	۱۳۸۰
۱۰۷۹۷۸	۱۰۳۴۲۰	۴۵۵۸	۱۳۸۱
۱۰۷۳۴۸	۱۰۲۶۱۵	۴۷۳۳	۱۳۸۲
۱۱۴۱۸۱	۱۱۰۰۳۲	۴۱۴۹	۱۳۸۳

۹۴۷۴	۱۲۵۵۲	۱۲۲۱	۶۶۸۶	۱۳۲۶۲	۳۰۹۴۴	۱۹۷۴۲	۱۳۷۸
۱۲۰۳۱	۱۳۱۲۴	۱۲۹۳۳	۷۴۷۷	۱۳۹۳۲	۳۶۱۸۲	۱۸۴۵۶	۱۳۷۹
۱۳۹۴۴	۱۲۴۹۸	۱۴۳۲۰	۹۰۹۷	۱۳۹۰۲	۳۳۲۹۰	۱۷۵۵۲	۱۳۸۰
۱۳۳۱۰	۹۲۴۶	۱۳۵۷۰	۹۲۸۷	۱۳۰۱۷	۳۰۷۱۷	۱۷۵۵۲۳	۱۳۸۱
۱۳۳۹۴	۸۲۲۳	۱۲۷۱۲	۱۱۵۷۳	۱۳۳۶۳	۲۷۱۲۰	۱۷۴۵۱	۱۳۸۲
۱۸۳۴۰	۸۱۰۷	۱۲۱۹۴	۹۹۳۳	۱۲۱۰۵	۲۹۰۶۱	۲۸۲۷۱	۱۳۸۳
۱۷۸۴۱	۸۳۷۸	۱۲۸۰۳	۸۵۴۰	۱۲۱۰۵	۲۷۷۲۵	۲۴۱۵۵	۱۳۸۴
۱۷۸۴۱	۸۳۸۷	۱۲۴۴۱	۷۸۵۷	۱۴۵۸۳	۲۹۴۱۳	۲۴۱۵۵	۱۳۸۵
۱۷۳۹۲	۸۳۸۷	۱۲۱۵۷	۸۶۷۰	۱۴۴۶۴	۲۱۹۴۰	۲۵۴۰۰	۱۳۸۶
۱۴۶۱۶	۷۴۱۸	۱۰۶۰۰۰	۶۷۹۵	۱۵۰۷۶	۱۴۲۶۹	۱۰۲۹۰	۱۳۸۷
۲۲۳۴۸۲	۹۸۹۷۶	۱۲۶۰۳۱	۸۵۸۲۵	۱۳۶۹۴۴	۲۸۰۶۶۱	۲۰۹۳۱۵	جمع

بر اساس یافته‌های جدول فوق می‌توان استنباط نمود که بیشترین نوع جرم در بین زندانیان ورودی مواد مخدر در دوره دوم سایر جرائم و اعتیاد دوره سوم قرار دارد.

جدول شماره (۴) توزیع فراوانی زندانیان ورودی بر حسب جنس و وضعیت تحصیلی از سال ۱۳۷۸-۱۳۸۷

سال	بی سواد	نهضت	ابتدایی	سیکل	دیپلم	دانشجو	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	حوزی
	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
۱۳۷۸	۱۵۲۴۱	۱۶۰۰	۳۳۴۵۹	۲۲۱۷۳	۱۷۲۹۷	۵۲۴	۱۷۷۴	۲۲۶۰	۳۷۷۱	۱۲۶	۴۵
۱۳۷۹	۱۶۸۳۷	۸۴۰	۳۷۷۵۵	۳۳۴۳۷	۱۹۶۰۰	۳۷۷	۱۹۴۸	۲۵۷۸	۴۴۷	۱۲۹	۶۲
۱۳۸۰	۱۵۴۷۹	۷۲۶	۲۷۳۷۱	۳۴۰۶۵	۲۰۱۱۸۱	۴۳۲	۲۹۸۷	۲۶۱۹	۴۶۷	۱۵۱	۱۰۸
۱۳۸۱	۱۳۴۸۹	۷۵۷	۲۲۸۳۱	۳۵۹۴۱	۱۹۴۸۸	۳۲۸	۱۸۸۵	۲۵۹۸	۲۷۵	۱۳۹	۴۲
۱۳۸۲	۱۲۶۹۱	۴۸۳	۳۰۹۶۴	۲۸۲۸۲	۱۹۷۲۸	۵۷۴	۱۷۹۶	۲۲۳۱	۳۶	۱۳۳	۴۱

۶۲	۱۵۳	۳۱۲	۲۱۲۸	۱۵۵۴	۳۹۶	۱۸۸۷۴	۳۳۷۵	۴۲۰۰۳	۷۸۹	۱۳۰۳۵	۱۳۸۳
۷۳	۱۲۲	۲۲۶	۲۲۳۱	۱۶۵۶	۴۷۶	۱۹۱۰۴	۳۴۸۸۶	۳۷۱۵۴	۵۴۸	۱۶۲۲۸	۱۳۸۴
۶۹	۱۱۰	۳۱۷	۲۲۰۰	۱۸۲۱	۴۸۶	۱۷۷۳۵	۲۲۹۱۶	۴۹۴۹۱	۵۳۷	۱۲۶۹۹	۱۳۸۵
۸۱	۹۹	۵۷	۲۱۸۵	۱۶۲۷	۴۶۱	۱۶۳۷۳	۳۰۹۰۲	۳۶۶۱۰	۴۳۱	۹۲۸۵	۱۳۸۶
۱۱۴	۱۲۷	۳۳۲	۳۵۵۶	۱۶۳۰	۸۹	۱۶۸۱۳	۲۱۶۲۷	۱۹۰۰۰	۵۰	۸۸۳۱	۱۳۸۷
۶۹۴	۱۳۰۹	۳۷۳۳	۲۲۰۹۵	۱۷۶۸۸	۴۵۳۹	۱۸۴۶۶۰	۳۴۹۲۰۴	۳۵۶۶۳۹	۷۰۴۲	۱۳۴۹۱۵	جمع

بیشترین تحصیلات زندانیان ابتدایی و سیکل و دیپلم و بی سواد می باشد در نتیجه اکثریت زندانیان تحصیلات زیر دیپلم هستند.

جدول شماره (۵) دستگیر شدگان جرایم مختلف توسط نیروی انتظامی در کل کشور بر حسب جنس و سن سالهای ۱۳۸۳-

۱۳۷۹

جنس و گروه سنی	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	جمع کل	نرخ رشد بین سالهای ۷۹-۸۳
مرد	۴۲۶۰۱	۴۶۲۸۱	۴۹۸۱۴	۴۵۳۹۰	۴۷۷۶۳	۲۳۱۸۵۶	۲/۹
۱۷ساله و کمتر	۳۴۱۴۲	۳۵۷۰	۳۲۰۴	۲۷۹۴	۲۶۲۷	۱۵۳۷۷	-۴/۰۱
۱۸-۲۴	۱۳۹۶۴	۱۷۱۴۰	۲۰۴۳۴	۱۶۵۶۶	۱۷۴۲۶	۸۵۵۳۰	۵/۶۹
۲۵-۳۴	۱۶۴۷۸	۱۸۲۷۳	۲۰۰۶۲	۱۸۲۰۰	۱۸۳۲۴	۹۱۳۳۷	۲/۶۹
۳۵ساله و بیشتر	۹۰۱۷	۱۹۸۷۵	۹۳۱۸	۷۸۳۰	۹۳۶۴	۴۶۹۸۶	۰/۹
زن	۴۳۳۹	۴۹۵۴	۴۶۷۹	۳۶۸۰	۳۷۱۹	۲۱۴۷۱	-۴/۳۳
۱۷ساله و کمتر	۴۰۰	۳۴۹	۴۰۳	۳۲۱	۲۲۴	۱۶۹۷	-۱۳/۴۹
۱۸-۲۴	۱۴۱۳	۱۵۵۲	۱۶۰۰	۱۰۸۱	۱۰۶۴	۶۷۱۰	-۶/۸۵
۲۵-۳۴	۱۶۳۲	۱۸۹۷	۱۶۳۰	۱۲۹۳	۱۳۶۷	۷۸۱۹	-۴/۳۳
۳۵ساله و بیشتر	۷۱۱	۸۹۰	۶۴۱	۶۱۱	۶۷۸	۳۵۳۱	-۱/۱۸

جدول شماره (۶) توزیع فراوانی پرونده های تشکیل شده در مورد اقدام به خودکشی در حوزه استحفاظی نیروی

انتظامی در کل کشور بر اساس جنس در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۳

سال	۱۳۷۹		۱۳۸۰		۱۳۸۱		۱۳۸۲		۱۳۸۳		کل	
	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی		
زن	۱۱۵۲	۴۹	۱۲۳۰	۴۰	۱۱۹۳	۳۷	۱۲۷۴	۳۶	۱۴۱۵	۴۰	۶۲۶۴	۴۰
مرد	۱۲۰۸	۵۱	۱۸۵۷	۶۰	۲۰۵۳	۶۳	۲۲۸۴	۶۴	۲۱۵۰	۶۰	۹۵۵۲	۶۰
کل	۲۳۶۰	۱۰۰	۳۰۸۷	۱۰۰	۳۲۴۶	۱۰۰	۳۵۵۸	۱۰۰	۳۵۶۵	۱۰۰	۱۵۸۱۶	۱۰۰

-ارقام پرونده‌های تشکیل شده در خصوص خودکشی میان مردان و زنان در سالهای ۸۰-۱۳۷۹

با رشد ۸/۴۴ درصد مواجه بوده است. بر این اساس تعداد افرادی که در ایران خودکشی نموده‌اند،

۱۵۸۱۶ نفر می‌باشند. که از این تعداد ۹۵۵۲ نفر یعنی معادل ۶۰ درصد مرد و تعداد ۶۲۶۴ نفر معادل ۴۰ درصد زن می‌باشند از میان خودکشی‌های صورت گرفته تعداد ۱۰۵۹۷ نفر معادل ۶۷ درصد خودکشی به مرگ منتهی شده و تعداد ۵۲۱۹ مورد معادل ۳۳ درصد از خودکشی‌ها ناموفق بوده است.

نکته قابل توجه در این مورد آن است که از میان خودکشی‌های منجر به فوت تعداد خودکشی در میان مردان سهمی معادل ۴۹ درصد و زنان سهمی معادل ۱۸ درصد یعنی خودکشی‌های منجر به فوت در میان مردان بیشتر از دو برابر تعداد زنان فوت شده است.

-مقایسه روند رشد خودکشی در میان مردان و زنان نشانگر آن است که در سالهای ۸۳-۱۳۷۹ در میان مردان ۱۲/۵۳ درصد و در میان زنان با رشد مثبت ۳/۲۲ درصد مواجه بوده است. بطور اجمالی مقایسه صورت گرفته نشانگر آن است که در سالهای اخیر یکی از علل افزایش رقم خودکشی در میان مردان مشکلات اقتصادی در جامعه و تأثیری که در درون خانواده‌ها و بر سرپرست خانوارها داشته‌اند می‌باشد.

جدول شماره (۷) پرونده‌های تشکیل شده در مورد اقدام به خودکشی در حوزه استحضایی نیروی انتظامی در کل کشور

بر اساس گروه سنی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۲

جنس و گروه سنی	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	جمع کل دربرنامه سوم (۷۹-۸۳)	سهم	نرخ رشد بین سالهای ۷۹-۸۳
مردوزن	۲۷۴۹	۳۲۷۵	۳۴۳۱	۳۷۴۵	۳۷۴۳	۱۶۹۴۳	۱۰۰	۸۰۲
۱۷ساله و کمتر	۳۷۱	۳۳۹	۳۱۸	۳۲۹	۳۳۵	۱۶۹۲	۱۰	۲۰۲
۱۸-۲۴	۱۰۴۹	۱۲۴۸	۱۳۹۳	۱۵۶۳	۱۴۸۴	۶۷۳۷	۴۰	۹۰۶
۲۵-۳۴	۷۸۲	۸۹۵	۱۰۲۴	۱۱۳۰	۱۲۵۲	۵۰۸۳	۳۰	۱۲۰۴۹
۳۵ساله و بیشتر	۵۴۷	۷۹۳	۶۹۶	۷۲۳	۶۷۲	۳۴۳۱	۲۰	۵۰۲۸
مرد	۱۴۰۸	۱۸۵۷	۲۰۵۳	۲۲۸۴	۲۱۵۰	۹۷۵۲	۵۸	۱۱۰۱۶
۱۸-۲۴	۵۵۷	۷۴۶	۸۹۲	۹۴۷	۸۱۲	۴۰۲۴	۲۴	۱۲۰۱۸
۲۵-۳۴	۴۷۷	۶۰۷	۶۷۰	۸۳۶	۸۴۵	۳۴۳۵	۲۰	۱۵۰۳۲
۳۵ساله و بیشتر	۳۷۴	۵۰۴	۴۹۱	۵۰۱	۴۲۳	۲۲۹۳	۱۴	۳۰۱۳
زن	۱۱۵۲	۱۲۳۰	۱۱۹۳	۱۲۷۴	۱۴۱۵	۶۲۶۴	۳۷	۵۰۲۸
۱۷ساله و کمتر	۱۸۲	۱۵۱	۱۳۳	۱۴۲	۱۵۷	۷۶۵	۵	-۳۰۳۶
۱۸-۲۴	۴۹۲	۵۰۲	۵۰۱	۶۱۶	۶۰۲	۲۷۱۳	۱۶	۵۰۱۷
۲۵-۳۴	۳۰۵	۲۸۸	۳۵۴	۲۹۴	۴۰۷	۱۶۴۸	۱۰	۷۰۴۸
۳۵ساله و بیشتر	۱۷۲	۲۸۹	۲۰۵	۲۲۲	۲۴۹	۱۱۳۸	۷	۹۰۵۳

در میان گروه‌های سنی در سالهای مورد مطالعه بالاترین سهم با ۴۰ درصد مربوط به گروه سنی جوانان ۱۸-۲۴ ساله می‌باشد.

در این گروه سنی معمولاً افراد بدلیل افکار و احساس پوچی، نومیدی، احساس گناه، افسردگی، اعتیاد، احساس شکست، بحران‌های حاد عاطفی، بیماریهای شدید و نداشتن سعه صدری که بتوانند مصائب و مسایلی بوجود آمده را برای آنها حلاجی کنند اقدام به خودکشی می‌کنند.

نکته قابل توجه آن است که سهم این گروه سنی در میان زنان و مردان بالاترین درصد است. بطوری‌که در این گروه سنی سهم مردان ۲۴ درصد و سهم زنان ۱۶ درصد بوده است.

سهم گروه سنی ۱۵-۳۴ ساله ۳۰ درصد، ۳۵ ساله و بیشتر ۲۰ درصد و ۱۷ ساله و کمتر ۱۰ درصد می‌باشد.

نگاهی به تفاوت نرخ رشد در بین سالهای ۸۰-۱۳۷۵ و ۸۳-۱۳۷۹ در میان گروه‌های سنی گویای آن است که در گروه سنی ۱۷ ساله و کمتر نرخ رشد در سال ۸۳-۱۳۷۵ منفی $1/89$ درصد و در سالهای ۸۳-۱۳۷۹ منفی $2/52$ درصد بوده است.

مقایسه به عمل آمده نشانگر کاهش تعداد خودکشی در میان این گروه سنی است. در گروه سنی ۱۸-۲۴ ساله در بین این دو دوره رشد قابل توجهی ملاحظه می‌شود بطوری‌که در سالهای ۸۰-۱۳۷۵ نرخ رشد در این گروه $3/55$ درصد بوده، در حالیکه برای سالهای ۸۳-۱۳۷۹ این رقم به $9/03$ درصد افزایش یافته است.

در گروه سنی ۲۵-۳۴ ساله نرخ رشد بین سالهای ۸۰-۱۳۷۵ معادل $4/74$ درصد و در سالهای ۸۳-۱۳۷۹ این رقم معادل $12/49$ درصد بوده است.

مقایسه بین این دو دوره در گروه سنی ۳۵ ساله و بیشتر نشانگر آن است که در سالهای ۸۰-۱۳۷۵ نرخ رشد $3/42$ درصد و در سالهای ۸۳-۱۳۷۹ این نرخ معادل $5/28$ درصد بوده است.

بطوراجمال مقایسه این گروه سنی در میان زنان و مردان در این دو دوره نشانگر رشد قابل توجه خودکشی در این گروه‌هاست. در این گروه‌ها بالاترین رقم رشد مربوط به گوه ۲۵-۳۴ ساله در میان مردان است، بطوریکه در این گروه نرخ رشد خودکشی از $8/54$ درصد در سالهای ۸۰-۱۳۷۵ به نرخ $15/37$ درصد در سالهای ۸۳-۱۳۷۹ رسیده است.

جدول شماره (۹) پرونده‌های تشکیل شده در حوزه استحضای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران بر حسب جرم در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۳

شرح/سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	جمع	نرخ رشد بین سالهای ۸۳-۱۳۷۹
قتل	۱۴۵۹	۱۵۷۷	۱۹۴۵	۱۸۰۳	۲۰۱۵	۸۷۹۹	۸
قتل غیر عمد	۱۱۰۱	۱۰۹۵	۱۳۹۵	۱۳۳۵	۱۳۸۹	۶۳۰۵	۶
مرگهای اتفاقی	۴۷۱۶	۶۷۱۴	۸۹۷۶	۹۳۰۱	۱۰۹۹۹	۴۰۷۰۶	۲۴
ضرب و جرح و صدمه	۷۶۰۷۱	۸۰۴۶۸	۸۱۸۵۰	۷۱۵۶۲	۸۰۰۳۶	۳۸۹۹۸۷	۱
تهدید	۳۲۰	۴۴۷	۱۰۸۱	۷۵۲	۵۳۶	۳۱۳۶	۱۴
اجبار و آزار	۱۳۲۸	۱۶۳۹	۱۶۶۸	۱۵۰۴	۱۴۱۵	۷۵۷۲	۲
تظلم به چاقو کشی	۴۱۱۵	۳۸۴۵	۳۸۲۳	۳۹۵۵	۳۵۴۲	۱۹۲۸۰	۴-
مسموم کردن عمدی	۱۶۸	۷۸۳	۲۷۲	۲۰۷	۳۶۶	۱۷۹۶	۲۱
جمع کل	۸۹۲۷۸	۹۶۵۶۸	۱۰۱۰۲۸	۹۰۴۰۹	۱۰۰۲۹۸	۴۷۷۵۸۱	۳

نرخ رشد بین سالهای ۷۹ و ۸۳ پرونده‌های تشکیل شده در نیروی انتظامی بیانگر اینست که مرگهای اتفاقی ۲۴ درصد، مسموم کردن عمدی ۲۱ درصد، تهدید ۱۴ درصد و قتل ۸ درصد رشد داشته‌اند.

۶- بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق و نتایج تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی افراد و وقوع جرم و سایر آسیب‌های اجتماعی- فرهنگی رابطه وجود دارد، بطوریکه با پایین‌تر رفتن سطح درآمد بر میزان وقوع آسیب‌های اجتماعی- فرهنگی افزون می‌شود. بر این اساس مسائل و معضلاتی چون اعتیاد، طلاق، انواع جرم در طبقات پایین اقتصادی رایج‌تر است. از این دیدگاه طبقه متوسط نسبت به سایر طبقات اقتصادی وضعیت مناسب‌تری دارد و اغلب شیوع آسیب در این طبقه به عنوان مناطق آسیب‌خیز شناخته می‌شوند، که ویژگی اساسی این مناطق پایین بودن سطح اقتصادی افراد ساکن در آن است. در این دیدگاه فقر به عنوان یک معضل وسیع اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که سر منشاء سایر آسیب‌های اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ۱۰۰). مسائل فرهنگی جامعه و عدم پایداری به آداب و رسوم سنتی یکی از عوامل دیگر در احتمال وقوع آسیب‌های اجتماعی- فرهنگی در بین جوانان است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد انحرافات جوانان مرد بیشتر از زنان جوان است که در تأیید این نتیجه، جان هگن نشان می‌دهد ارقام جنایت میان زنان بسیار پایین‌تر از مردان است. اما موضوع رابطه جنسیت با جرم را مسأله پیچیده‌ای در نظر می‌گیرد. او معتقد است که این رابطه در نظریه‌های کنونی انحرافات اجتماعی به خوبی مورد بررسی قرار نگرفته است. بحث هگن این است که تبیین رابطه این دو متغیر تحت تأثیر عوامل دیگری مانند دنیای کار، ساخت طبقاتی و اشکال گوناگون نظارت بر رفتار زنان و مردان قرار دارد. هگن معتقد است که مهمترین بعد قشربندی اجتماعی مربوط به این است که چگونه عمل‌کنندگان در طبقات اجتماعی جای می‌گیرند یا چگونه پاداشی مانند منزلت و درآمد میان آنها تقسیم می‌شود. مسأله اصلی این است که چه کسی برای رقابت در دستیابی به پاداشها برگزیده می‌شود. واضح است که زنان به مراتب از مردان در دسترسی به پاداشها در نظام قشربندی محدودتر هستند. مردان بیشتر در صحنه اجتماعی یعنی جهان کار حضور دارند و برعکس زنان بیشتر در صحنه حوزه خصوصی یعنی زندگی خانوادگی حاضر هستند. نتیجه این محدودیت این است که زنان کمتر امکان ارتکاب جرایم را دارند (هگن ۱۹۸۸، ۲۶۸؛ دانز و راک ۱۹۹۵، ۳۱۱).

یکی دیگر از عواملی که باعث آسیب‌های جوانان شده مسأله فقر می‌باشد با توجه به اینکه "فقر یکی از مهمترین مسایل جوامع بشری است. فقیران در جهانی به سر می‌برند که آن را دنیای چهارم خوانده‌اند و در نقشه جغرافیا جای مشخصی برای آن نمی‌توان یافت.

در جهان امروز بیکاری و عدم اشتغال نیروی قادر به کار (فعال) به عنوان یکی از پدیده‌های اقتصادی - اجتماعی مورد توجه علمای اقتصاد و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اجتماعی - اقتصادی قرار گرفته است. اهمیت این قضیه تا آنجاست که عده‌ای از اقتصاددانان و علمای علوم اجتماعی نظیر ریکاردو، کینز، کارل ماکس و... تئوری‌های بیکاری را مطرح می‌کنند.

بیکاری در ساده‌ترین مفهوم خود از رشد نسبتاً کند تقاضای نیروی کار در بخش صنعتی مدرن و بخش کشاورزی سنتی و رشد سریع و سطح بالای مهاجرت از روستا به شهر است ناشی می‌شود. عواملی چون علل اقتصادی و فنی و تخصصی و علل فرهنگی - اجتماعی (افزایش جمعیت، مهاجرت)، علل سیاسی (جنگ، تحریم اقتصادی، اشتغال غیرقانونی اتباع بیگانه) و علل فردی در بروز پدیده بیکاری نقش دارند. بیکاری دارای اثرات و تبعاتی در جامعه می‌باشد. از این اثرات می‌توان به آثاری چون: فقر و تنگدستی، تحول جمعیت (مهاجرت)، مسایل فرهنگی - اجتماعی، ظهور و ترویج مشاغل کاذب و مخرب، مسایل سیاسی (نارضایتی افراد از نظام حاکم)، اثرات عاطفی و روانی بر افراد و... را به دنبال دارد.

خانواده به عنوان یک سیستم در معرض یک رشته از بحران‌هاست. ترک منزل توسط دختران به عنوان یک بحران برای خانواده و به عنوان یک معضل اجتماعی ضرورت مداخلات حرفه‌ای را ایجاد کرده است. پدیده فرار از منزل معلول شبکه پیچیده‌ای از عوامل مؤثر روانی - اجتماعی است که در کشورهای مختلف آسیایی - اروپایی و آفریقایی به چشم می‌خورد. فرار را می‌توان، ترک محل زندگی به علت فشارهای ناشی از خشونت، تبعیض، نابرابری، تمایل به ماجراجویی، کسب منزلت ... یا در اثر کم‌عقلی و فریب‌خوردگی و گاه به علت عدم سلامت فکری و روحی تعریف کرد.

"از آنجا که فرار یکی از عوامل زمینه‌ساز شخصیت بزهکاری در آینده می‌باشد، لذا از اهمیت خاصی برخوردار است. فرار زمینه را برای اختلال شخصیت و رفتار فراهم می‌آورد و سبب بروز بزهکاری‌ها، جرم‌ها و جنایت‌هاست. این عمل در دختران اثرات نامطلوبی برجای می‌گذارد و تأثیر آن بر این گروه بیشتر از پسران است. زیرا دختران بیش از پسران دارای طبیعت انفعالی می‌باشند و مقاومت عاطفی کمتری در مقابل مشکلات دارند و زود تسلیم حوادث می‌شوند. این گونه افراد از سوی جامعه طرد شده و ارزش و اهمیت سابق را در نزد دیگران از دست خواهند داد.

"از علل طلاق، پیدایی بحران در ارزش‌هاست: هنگامی که انسان‌ها صرفاً به تمتع می‌اندیشند و فقط مصالح خویشتن را در نظر می‌آورند، در بین علل غیربنیادین و غیرساختی و عرضی طلاق می‌توان از بحران‌های موقت جامعه نظیر جنگ، قحطی و... نام برد. به نظر نمی‌رسد که تکنولوژی جدید فی‌نفسه و به صورتی جبری و اجتناب‌ناپذیر طلاق‌زا باشد. شاید تنها شانس جوامع در حال توسعه امروز در این باشد که بتوانند از راه رفته برخی از جوامع جهان صنعتی عبرت گیرند و از آفات جامعه صنعتی به دور مانند. هر قشر اجتماعی دارای امکانات، مسائل و به طور کلی فرهنگ خاص خویشتن است. از همین روست که ارقام و تصویر علل طلاق در بین اقشار مختلف اجتماعی تمایز نشان می‌دهند. دو عامل در زمینه کارا به نظر می‌آیند:

الف: وجود امکانات مالی (بالنسبه فراوان)، کاستی در ارزش‌ها و غرق شدن انسان‌ها در حیطه فرصت‌گرایی، «آنی را غنیمت شمردن».

ب: فقدان امکانات مالی و به تبع آن کاهش سطح فرهنگ، سقوط انسان‌ها را در آمیزه‌ای از نداشتن و در اعماق ماندن، موجب می‌شود؛ بدینسان در همه جای جهان سقوط در سطوح آموزشی، ارتقای آمار و فراوانی طلاق را موجب می‌شود.

تحقیقات نشان داده است که کودکانی که با پدر و یا مادر به تنهایی بزرگ شده‌اند ۵٪ بیش از

دیگر کودکانی که در محیطی عادی و زیردست والدین بوده‌اند آمادگی برای ارتکاب جرم دارند. این رقم برای کودکانی که پدر یا مادری زنده ولی از هم جدا شده دارند بیشتر است. طلاق در مواردی سبب گمراهی و اغفال کودک و تن دادن به ولگردی و خودفروشی کودکان شده، زیرا نیاز عاطفی آدمی را برای ارضا و امی دارد که تن به هر خواسته‌ای بدهد. "زمانی که فرد در کسب توفیق احساس ناتوانی می‌کند، دچار احساس نایمنی شده و نظام اجتماعی را، نظامی ناعادلانه می‌پندارد. این طرز فکر باعث بروز احساس خشم و نفرت و بی‌اعتمادی در فرد می‌گردد. این احساس در خانه و مدرسه و محل کار سرکوب می‌گردند، در چنین حالتی رفتار انحرافی به سوی منبع جانشین که می‌تواند پذیرش مواد مخدر برای کسب آرامش باشد بروز می‌نماید. در این زمان است که فرد برای نشان دادن لیاقت و توانایی‌های خود به تهاجم‌های خطرناک دست زده و میل به انتقام‌گیری از جامعه را پیدا می‌کند.

"خانواده را می‌توان پایه و اساس ساخت اجتماعی به حساب آورد، به گونه‌ای که سلامت جامعه همواره در گرو سلامت خانواده است. در واقع ریشه و اساس بسیاری از کجروی‌ها و انحرافات اجتماعی در درون این نظام کوچک اجتماعی جای دارد. مصرف هروئین و مواد مخدر باعث تحلیل قدرت حافظه و حواس شده و در مدتی اندک فرد معتاد را به فردی بی‌مسئولیت، دروغگو و غیرقابل تحمل تبدیل می‌کند. نیروی جسمی و جنسی آنان به سرعت از بین رفته، ضعیف می‌شوند. نیاز به افزایش مصرف مواد مخدر، هر روز معتادان را از نظر اخلاقی و عاطفی به سطح پایین‌تری می‌کشاند طوری که معتاد پس از چند سال چنان ارزش‌های اخلاقی و معنوی خود را از دست می‌دهد که تن به هر کاری می‌دهد و دست به هر کاری می‌زند. مشاهده دقیق وضعیت اخلاقی و کنش‌های متقابل معتادان حاکی از این واقعیت است که فردی که قبل از اعتیاد دارای عزت نفس و ارزش‌های اجتماعی بوده پس از اعتیاد چنان تغییر می‌کند که به پست‌ترین کارها نظیر خیانت، دزدی، خودفروشی تن می‌دهد."

۷- پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود که با افزایش فرصت‌های شغلی، افزایش سطح درآمد و مبارزه با بیکاری از وقوع آسیب جلوگیری گردد
افزایش کنترل اجتماعی در سطح خانواده و جامعه: کنترل اجتماعی همانند نظارت والدین، همسایگان و نظارت پلیس در کاهش نابهنجاری مؤثر هستند... بنابراین به نظر می‌رسد هر چه نظارت

مثبت والدین بر فرزندان صورت گیرد و با توجه به قاعده شرعی امر به معروف و نهی از منکر همسایگان به رفتار یکدیگر حساس باشند و پلیس کنترل بیشتر بر این مناطق داشته باشد میزان نابهنجاری کاهش می‌یابد.

از طرف دیگر کنترل اجتماعی درونی و پایبندی انسان‌ها به ارزشهای اجتماعی و قیودات دینی منجر به کاهش نابهنجاریهای می‌گردد. لذا کمک به تقویت روحیه دینی توصیه مهمی در جهت کاهش نابهنجاری باشد.

- خانواده اولین واحد اجتماعی و مهمترین عامل اجتماعی شدن فرزندان است. لذا بهبود اوضاع خانواده، حل مشکلات آن می‌تواند در جهت کاهش نابهنجاری کمک نماید.

- همنشینی با افراد ناباب موجب ناهنجاری و انحراف فرد می‌گردد، لذا به خانواده‌ها پیشنهاد می‌گردد که فرزندان خود را در انتخاب دوستان و همنشیان راهنمایی نموده و از دور مراقب کسانی که با آنها نشست و برخاست می‌کنند، باشند.

فهرست منابع

- ۱- آبرکرامبی، نیکلاس و همکاران، ۱۳۶۷، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش.
- ۲- آذین، محمود، ۱۳۷۸، آیین زندگی، انتشارات قدس، تهران.
- ۳- آزاد ارمکی، تقی و بهار، مهدی، ۱۳۷۷، بررسی مسائل اجتماعی، نشر جهاد، تهران.
- ۴- آگیرن، ویلیام فیلدینگ و نیم کف، مایر فرانسیس، ۱۳۸۰، زمینه جامعه‌شناسی، مترجم امیر حسنی آریانپور، تهران، انتشارات نگاه.
- ۵- ابوالحسن تنهایی، حسین، ۱۳۷۷، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی اجتماعی، تهران.
- ۶- افروغ، عماد، ۱۳۷۷، فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- امانت، حمید، ۱۳۷۳، بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما چلبی.
- ۸- حبیبی مهناز، ۱۳۷۲، بررسی عوامل موثر بر بزهکاری نوجوانان، نشر دانشگاه شیراز، شیراز.
- ۹- خوشکار، علیرضا، ۱۳۸۲، انومی یا آشفتگی اجتماعی در روابط جوانان، تهران، فصلنامه امنیت اجتماعی، پیش شماره اول.
- ۱۰- دورکیم، امیل، ۱۳۶۹، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، بابل، ناشرکتنا بسترای بابل
- ۱۱- دلاور، علی، ۱۳۸۳، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات رشد، تهران.

- ۱۲- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۷، توسعه و تضاد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران .
- ۱۳- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش، تهران.
- ۱۴- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۶۷، کندو کاو و پنداشته‌ها، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران.
- ۱۵- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۳، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران،
- ۱۶- ستوده، هدایت‌اله، ۱۳۷۶، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی جنایی، نشریه آوای نور، تهران.
- ۱۷- ستوده، هدایت‌اله، پازند، ۱۳۷۹، افسانه، روان‌شناسی جنایی، نشریه آوای نور، تهران، چاپ دوم.
- ۱۸- ستوده، هدایت‌اله، ۱۳۷۸، آسیب‌شناسی اجتماعی، آوای نور، تهران
- ۱۹- سخاوت، جعفر، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، نشر دانشگاه پیام نور، تهران،
- ۲۰- سیف‌الهی، سیف‌اله، ۱۳۷۳، مبانی جامعه‌شناسی، نشر مرنديز، تهران، چاپ اول.
- ۲۱- سیف‌الهی، سیف‌اله، ۱۳۸۱، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات جامعه پژوهان سینا، تهران.
- ۲۲- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۷، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات ژوبین تهران،
- ۲۳- شیخاوندی، داور، ۱۳۷۹، جامعه‌شناسی انحرافات و مسایل جامعه، نشر مرنديز، مشهد، چاپ چهارم.
- ۲۴- صالحی مرزيجرانی، زهرا، ۱۳۸۵، بررسی وضعیت آسیب‌های اجتماعی در کشور و استان مرکزی در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۳.
- ۲۵- فرجاد، حسین، ۱۳۷۷، بررسی مسائل اجتماعی ایران، نشر اساطیر، تهران
- ۲۶- کلدی، علیرضا، ۱۳۷۹، بررسی رابطه ساختار اجتماعی و رفتار نابهنجار اجتماعی در محدوده پیرامون میدان آزادی تهران، تهران پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۸.
- ۲۷- کی‌نیا، مهدی، ۱۳۶۹، جامعه‌شناسی جنایی، دانشگاه تهران.
- ۲۸- محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۳، وندالیسم، تهران، انتشارات آن.
- 29- Burgess. Rubert. G “Key variables in social in vestgation” , Landon, Rutledge and Kego paulplc, 1986.
- 30- Jean chazal,” L’ en fance Delinquante” gue sais- je 1976” p.t.
- 31- Moore, Joan, wand Button M.Moore. “Social problems, Englewood cliffs pierson Inc, 1982